

«تجلی روزه در متون عرفانی»

دکتر احمدرضا یلمه‌ها^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده مقاله:

روزه در متون ادب فارسی به خصوص در متون عرفانی، نمود و بروز خاصی دارد و به عنوان مفتاح زهد و باب عبادت حق و نیز سپر و حجابی از ماسوی الله بیان گردیده است. عرفا روزه را به عنوان سرّی از اسرار الهی میان خلق و حق و باعث کسر شهوات و مصفّی گردانیدن دل و غایب گشتن از دیدار خلق به دیدار حق می‌دانند و به جای آوردن آن را به گزاردن امانت حق تعالی تعبیر می‌کنند و همواره شرط معظم روزه را اخلاص و عدم آمیختگی با شایبه ریا و هوی می‌دانند. در این مقاله سعی شده به انعکاس روزه در امهات متون عرفانی و نیز تعبیری که صوفیان و عرفا از روزه داشته‌اند به همراه انواع، اهداف، مفاهیم و فواید روزه و نیز توصیفات عرفانی روزه در نزد عرفا و صوفیه پرداخته شود

کلید واژه‌ها:

روزه، عرفان، جوع، ریاضت، خلوت

1- ayalameha@yahoo.com

پیشگفتار

آینه زلال ادب فارسی، بهترین تجلی‌گاه عالی‌ترین جلوه‌های فرهنگ و معارف اسلامی است. یکی از امهات معارف اسلامی و از معظمت‌ارکان اسلام، روزه است. روزه در اکثر متون منظوم و مثنوی فارسی به ویژه در متون عرفانی، جلوه و نمود و بروز خاصی دارد و ماه مبارک رمضان، همواره یکی از مضامین اصلی اشعار شاعران ایرانی و نیز یکی از ارکان مهم طریقت در نزد صوفیه و عارفان است. عرفا روزه را به عنوان سرّی از اسرار الهی و مفتاح زهد و باب طاعات و عبادات دانسته و آن را باعث تصوّن قلب از همم دنیّه و اذکار دنیویّه و نیز طیب اشباح و حافظ ارواح و باعث قطع التفات از غیر حق می‌دانند و همواره دو فایده عمده روزه را چشم پوشی از خلق و ترک ریا و نیز منکوب کردن لشکر شیطان که همان شهوات نفسانی است، می‌دانند. در این نوشتار سعی شده، روزه از منظر عرفانی و از دریچه نگاه عرفا مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. مضمونی که شاید تاکنون به گونه مجزا و شاخص در متون عرفانی فارسی، بررسی نگردیده است. از اینرو ابتدا به واژه صوم و رمضان پرداخته شده و سپس تجلی آن در امهات متون مثنوی و نیز مثنوی معنوی (به عنوان یکی از اعلازم متون منظوم)، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

روزه معادل صوم در قرآن کریم است. این لغت از صام به معنی باز ایستادن از خوردن و امساک و خودداری از فعلی (لغت نامه) است. ماه مبارک رمضان نیز که به شهرالله معروف است، تنها ماهی است که نام آن در قرآن کریم آمده است. این واژه در کتب لغت چنین معنی شده است: «رمضان سنگ گرم است و از سنگ گرم، پای روندگان می‌سوزد و شاید که به وقت وضع این اسم، ماه صیام در شدت گرما باشد و یا مأخوذ است از رمض که به معنی سوختن است، چون ماه صیام گناهان را می‌سوزاند. و معنی رمض سوخته شدن پا از گرمی

زمین است، چون ماه صیام موجب سوختگی و تکلیف نفس است^۱». در قرآن مجید یک بار واژه «رمضان»، و چهارده بار صوم، صیام، صائمین و صائمات به کار رفته است. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۲. در برخی از تفاسیر نیز در تفسیر آیه شریفه ۱۴۸ از سوره مبارکه بقره «إِسْتَيْعِنُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»، صبر را در این آیه، به معنی صوم دانسته‌اند. در قوت القلوب ابوطالب مکی نیز می‌خوانیم: «صبر در این آیه به معنی صوم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ماه رمضان را شهر الصبر نامید. چه صبر، حبس نفس است از هوی و هوس و حبس نفس است به امر مولی. و بعضی از علما گفته‌اند که غرض از استعانت به صبر در این آیه مذکور، زهد است در دنیا به وسیله روزه؛ چه روزه‌دار چون زاهد عابد است و روزه مفتاح زهد است و باب عبادت مولی است؛ چه روزه نفس را از شهوت طعام و شراب باز می‌دارد».

تجلی روزه در قوت القلوب^۳

یکی از اصیل‌ترین و مستندترین متون عرفانی که به عنوان یکی از امهات متون عرفانی نیز شناخته می‌شود، قوت القلوب ابوطالب مکی است. وی یکی از صوفیان معروف و مشایخ عرفا در قرن چهارم هجری است. ابوطالب مکی در مجلد ثانی این کتاب در «شرح رابع ما یئنی الإسلام علیهِ» به ذکر فرائض صیام پرداخته و چنین گوید «اعتقاد الصوم ایجاباً لله تعالی علیه و قربه منه إلیه و إخلاصاً به له و سقوطاً فرضاً عنه»^۴.

انواع روزه از دیدگاه ابوطالب مکی:

۱- روزه عوام: که همان روزه در نزد عموم و روزه قالب و تن است.

الف - حفظ جوارح:

- چشم پوشی از اتساع و فراخی در زندگی (غض البصر)
- نگاه داشتن گوش از شنیدن محرّمات (صون سمع)

۱- غیاث اللغات، ذیل واژه رمضان.

۲- قرآن کریم، بقره، آیه ۱۸۵.

۳- شرح اصطلاحات تصوف، ص ۲۳۳.

۴- قوت القلوب، ص ۱۸۷.

روزه خاصان:

الف - حفظ زبان از گفتار ناشایست (حفظ اللسان)

ب - مراعات قلب

ج - قطع خواطر

د - ترک تمنیات محال

هـ - حفظ جوارح از بطش و شتابزدگی در منهیات (کف الید و حبس الرجل)

فضایل روزه خاصان:

الف - اجتناب از حظوظ

ب - رفض شهوات

ج - تقلیل در خوراک و تأخیر سحور

د - عدم غیبت و دروغ

و در پایان آمده است که «رُویَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص): خَمْسٌ يُفْطَرَنَّ الصَّائِمَ: الْكِذْبُ وَالْغَيْبَةُ وَالنَّمِيمَةُ وَ ۱ مِینُ الْكَاذِبَةِ وَالنَّظْرُ بِشَهْوَةٍ ۱» .

از رسول خدا روایت کرده‌اند که پنج چیز روزه را بشکنند: دروغ، غیبت، نامی، قسم دروغ و نظر کردن به شهوت.

روزه در آثار خواجه عبدالله انصاری:

خواجه عبدالله انصاری در طبقه چهارم از طبقات الصوفیه در شرح احوال مظفر کرمانشاهی چنین می‌گوید: از مهینان مشایخ جبل است، از درویشان صادق، صحبت داشته با عبدالله خراز و مه از او . یگانه بوه از مشایخ در طریقت نیکوی. وی گفته است روزه سه است:

۱- صوم الروح بقصرالامل

۲- صوم العقل بخلاف الهوی

۳- صوم النفس بالامساک عن الطعام و المحارم^۲

در رسائل فارسی در ترجمه عبارات مزبور چنین می‌خوانیم: روزه بر سه وجه است: روزه

۱- پیشین، ص ۱۸۹ .

۲- طبقات الصوفیه، ص ۲۸۵

روح است به کوتاه کردن امل. یعنی که امل خود را کوتاه کنی که هوای خود را خلاف کنی و روزه عقل است به خلاف کردن هوا و روزه نفس است به باز ایستادن از طعام و شراب و شهوات^۱.

در جای دیگر از این کتاب می‌خوانیم: «ابوهریره روایت کند رضی الله عنه که پیغمبر می‌فرماید: صلی الله علیه و سلم که هر عملی که بنی آدم کند آن عمل او راست، یعنی از بهر نجات و درجات اوست مگر روزه که الله تعالی، روزه را به خود اضافه می‌کند که روزه مراست و جزای آن من دهم. یعنی که روزه روی آن در قرب و رضای من است. چنانکه دیگر عمل‌ها را روی در جزا و نجات و درجات است، این را روی در رضا و قرب و نواخت و کرامت است و بوی دهن روزه‌دار نزد الله تعالی، پسندیده‌تر از آن است که بوی مشک نزد شما، یعنی بوی آن از کاهش نفس اوست، بوی حجاب سوز دلفروز می‌آید، دل می‌بالد و نفس می‌کاهد و امید می‌افزاید و شوق می‌افروزد تا حجابها سوخته شود و این کار او را بی‌دیده، دیده شود. الهی از بوی دهن روزه‌دار به نزدیک تو عطر است، عید، عید صوم است نه عید فطر است. کار نه روزه و نماز دارد، کار شکستگی و نیاز دارد^۲».

مفاهیم روزه از دیدگاه مستملی بخارایی:

ابو‌ابراهیم اسماعیل مستملی بخارایی از عرفای معروف قرن پنجم هجری، شرحی دارد بر کتاب التعرف لمذهب التصوف از ابوبکر محمد بخاری کلابادی از صوفیه و عارفان معروف قرن چهارم قمری. این کتاب به نام شرح تعرف معروف است و قدیمترین کتاب تصوف به زبان فارسی است. در جلد چهارم این کتاب درباره روزه می‌خوانیم «معنی روزه غایب گشتن از دیدار خلق به دیدار حق و به این روزه سر می‌خواهد نه روزه ظاهر. چه روزه در وضع لغت امساک است که چون ظاهر را از شهوت و مراد باز داری به حکم شریعت روزه‌دار باشی و چون باطن را از هوای نفس و خلق باز داری، روزه‌دار باشی به حقیقت».

مفاهیم روزه

۱- غایب گشتن از دیدار خلق به دیدار حق

۱- رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، ص ۱۷۶.

۲- پیشین، ص ۱۶۳.

- ۲- سرّی است میان بنده و حق
- ۳- باز ایستادن است از صحبت خلق
- ۴- حجابی است از هرچه دون خداست
- ۵- بریده گشتن زبان از خلق و اشتغال آن به ذکر حق^۱

مفهوم روزه از دیدگاه هجویری :

ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری، از عارفان و نویسندگان قرن پنجم هجری است. وی نویسنده اثر معروف عرفانی کشف‌المحجوب است. هجویری در این کتاب می‌نویسد «حقیقت روزه، امساک است و کل طریقت اندر این مضرّ است و کمترین درجه اندر روزه گرسنگی است، گرسنگی طعام خدای است در زمین و گرسنگی به همه زبانها ستوده است اندر میان خلق شرعاً و عقلاً^۲».

شرایط امساک

- ۱- نگاهداری جوف از شراب و طعام
- ۲- چشم از نظاره حرام و شهوت
- ۳- گوش از استماع لهو و غیبت
- ۴- زبان از گفتن لعن و آفت
- ۵- تن از متابعت دنیا و مخالفت شرع

روزه در مصباح الهدایه

عزالدین محمود کاشانی در مصباح الهدیه و مفتاح الکفایه - از کتب مهم علم تصوّف در قرن هشتم هجری - در فصل نهم از باب هفتم، فصلی جداگانه در فضیلت صوم و اختلاف احوال صوّم و نیز فصلی را در شرایط و آداب صوم و افطار اختصاص داده است. وی معتقد است که جمله حسنات، ثوابی معین دارند و غایت ثواب آن از هفتصد بیشتر نیست الا صوم را که ثواب آن معین نیست. «حق تعالی آن را به خود اضافه کرده است و ضامن جزای آن شده، چنانکه در حدیث ربانی آمده است که كُلَّ حَسَنَةٍ بَعَشْرٍ مِنْ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ إِلَّا الصِّيَامَ

۱- از دیدگاه مستملی.

۲- کشف‌المحجوب، ص ۴۱۳.

فَائُهُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى بِهِ» .

کاشانی بیخ جمله شهوات و منشأً جمیع مخالفات^۱ را امتلا از طعام می‌داند و معتقد است که «به تقلیل طعام دل صافی گردد و هوا بمیرد و نور علم فزایش گیرد . چنانکه بشرحافی گفته است : الْجُوعُ يُصْفِي الْفُؤَادَ وَ يُمِيتُ الْهَوَى وَ يُورِثُ الْعِلْمَ الدَّقِيقَ^۲» . کاشانی همچنین فایده اصلی روزه را مخالفت نفس و فطام او از عادات مألوف و معهودات می‌داند و معتقد است که روزه باعث قهر نفس و منع او از اتساع در حظوظ می‌شود.

شرایط معظم صوم از دیدگاه کاشانی:

- ۱- بنایش بر قاعده اخلاص بود (تمکین در مقام اخلاص)
- ۲- عدم آمیختگی به شایبه ریا و هوی
- ۳- کتمان حال خویش از نظر خلق
- ۴- نگاه داشت اعضا و جوارح به قید علم و حراست حال:
الف: بطن و فرج از طعام و شراب و جماع
ب: چشم از نظر به محرّمات و مکاره و فضول
ج: گوش از استماع اصوات محرّمه و غیبت و لغو و لغظ
د: زبان از کذب و غیبت و نمیمت و شتم و فحش و لغو و فضول
ه: دست و پای از تصرفات فاسده و سعی نامشروع
- ۵ - عدم اهتمام خاطر به رزق از جهت افطار
- ۶ - کسب اذن از متوکلان
- ۷- افطار بر طعام حلال و عدم تناول بسیار

فرقه‌های تصوف در اختیار صوم :

- ۱- علمشان بر حال غالب است و در صوم ثابت قدم
- ۲- حالشان بر علم غلبه دارد.
- ۳- حال و علم در ایشان معتدل است.

۱- مصباح الهدایه، ص ۳۳۳ .

۲- پیشین، ص ۳۳۴ .

انواع روزه از دیدگاه کاشانی:

- ۱- روزه وصال: روزه در سفر و حضر دائماً
- ۲- روزه داوودی: یک روز در میان روزه گرفتن
- ۳- صوم ایام شریفه (عرفه، عاشورا، ایام البیض و ...)

اقسام دیگر روزه در متون عرفانی

علاوه بر سه قسم مذکور، در متون عرفانی، روزه را به چند نوع تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

- ۱- صوم عوام: ترک اکل و شرب و جماع
- ۲- صوم خواص: باز بستن سمع و بصر و سایر اعضا از گناهان
- ۳- صوم اخصّ الخواص: بازداشت دل از همم دنیّه و اذکار دنیویه
- ۴- صوم قلب (روزه دل): بازداشته شدن از افکار دنیوی
- ۵- روزه سرّ یا باطن: روزه اهل سلوک
- ۶- روزه ظاهر (=قلب): امساک از طعام و شراب
- ۷- روزه معنوی یا حقیقی (=روزه جان): خوردن طعام از طعام ابیت عند ربی

فواید روزه از دیدگاه نجم الدین کبری

نجم الدین کبری از بزرگان مشایخ صوفیه در قرن هفتم هجری است. وی در رساله الهایم و رساله السایر خویش، در بحث آداب مرید، به بحث و بررسی روزه می‌پردازد و معتقد است که «روزه سپهر است و در مجاهده با نفس و شیطان، از سپهر گریز نیست تا سهام و تیرهای شیطان لعنه الله به او اصابت نکند، چه روزه در تقلیل اجزاء خاکی و آبی سخت موثر است و دل را از رین و غیم و غین مصفی دارد. رین از آن کفار است و غیم از آن مومنان و غین از آن انبیاء^۱».

فواید بیست و دو گانه روزه از دیدگاه نجم الدین کبری

- ۱- تشبّه به روحانیون (در اینکه چیزی نخورند)
- ۲- قهر نفس اماره
- ۳- حصول خصوصیت حق (روزه مضاف به حق است)

۱- رساله الی الهائم، به نقل از شرح اصطلاحات تصوف، ص ۲۴۱.

- ۴- اکتساب ثواب بی نهایت
- ۵- پاکی نفس از گناهان
- ۶- شستشوی لوح جان از خاک نفسانی
- ۷- روشنایی چشم دل و معاینه عالم ملکوت
- ۸- تنگی راهها بر شیطان (شیطان در رگ است و روزه تنگ کردن رگهاست)
- ۹- سپر حاصل کردن از شیطان و دوزخ (الصوم جُنَّة)
- ۱۰- درج نام خویش در جریده مخلصان (ریا و سمعه در روزه نگنجد)
- ۱۱- شناخت درد دل گرسنگان و رحمت بر ایشان
- ۱۲- شادمانی از کسب رضای حق
- ۱۳- شادمانی دیدار حق تعالی در روز قیامت
- ۱۴- تندرستی حاصل کردن
- ۱۵- نهی بدترین و عاها (ظروف). (مائل و عاء سوء من بطن)
- ۱۶- گزاردن امانت حق (روزه امانت الهی است)
- ۱۷- بستن عهد با حق
- ۱۸- حصول منصب امارت (الصایم المتطوع امر نفسه)
- ۱۹- نیکی بر دیوان خویش نوشتن
- ۲۰- رهایی از لغو و بیهوده‌گویی
- ۲۱- بر روزه‌دار پس از نماز عصر، لغو ننویسند.
- ۲۲- کسب توفیق

ادب روزه از دیدگاه ابونصر سراج:

ابونصر عبدالله سراج طوسی از صوفیه و عرفای معروف قرن چهارم هجری است که او را طاووس الفقرا گفته‌اند. اهمیت و شهرت او بیشتر به واسطه تألیف کتاب اللمع فی التصوف است که نخستین بار علم تصوف را تدوین کرده و حالات و مقامات را بیان داشته و به شرح حال دویست صوفی پرداخته است. وی در باب ادب روزه، معتقد است که ادب روزه عبارتند از:

ادب روزه

- ۱- صحت قصد در روزه

- ۲- مابینت شهوت
- ۳- حفظ جوارح
- ۴- پاکی مطعم
- ۵- رعایت دل به دوام ذکر حق
- ۶- قلت سعی و اهتمام در کسب افطار و روزی
- ۷- استعانت از حق تعالی

روزه در مثنوی معنوی

یکی از مضامین و مباحث مولانا در خلال ابیات مثنوی جوع عارفانه یا گرسنگی اختیاری است که روزه نیز در اثنا و مطاوی آن بیان گردیده است. مولانا نیز مانند دیگر عرفا، معتقد است که گرسنگی روشن کننده باطن و دل و سفید کننده صورت دل است. سالک با جوع اختیاری، هوش و خردش زنده شده و از خواب غفلت بیدار می‌شود. گفتنی است در متون عرفانی از چهار نوع موت نام برده شده است:

انواع موت

- ۱- موت ابیض که همان جوع یا گرسنگی اختیاری است.
 - ۲- موت اخضر، پوشیدن مرقع است.
 - ۳- موت احمر، مخالفت با نفس است.
 - ۴- موت اسود، تحمل ریاضات و احتمال ایذای خلق است.
- غرض از جوع (موت ابیض) این نیست که سالک علی‌الدوام گرسنگی کشد؛ بلکه غرض مواظبت در خوراک و میانه‌روزی در تناول است؛ چراکه شکم خالی زندان دیو است و شکم پر بازار او.
- گرسنگی عارفانه از نظر مولانا نیز فقط به کم خوردن طعام منحصر نمی‌شود. بلکه به معنی پرهیز از هر گونه امور نفسانی و شهوانی است. مولانا شرط رسیدن به ملکوت را تبدیل کردن طعام می‌داند. یعنی اینکه روح انسانی باید به طعام‌های معنوی و روحانی خو کند نه به این طعام‌های شهوان^۱:

۱- مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۴۷۵.

معدۀ را خو کن بدان ریحان و گل تا بیایی حکمت و قوت رسل
خوی معدۀ زین که و جو باز کن خوردن ریحان و گل آغاز کن
معدۀ تن سوی کهدان می کشد معدۀ دل، سوی ریحان می کشد
هر که گاه و جو خورد قربان شود هر که نور حق خورد، قرآن شود

مولانا سیری و پرخوری را مضّر دانسته و باعث زیاده شدن شهوات و افراط در آن را سدّ
راه سلوک می داند :

چون گرسنه می شوی سگ می شوی تند و بد پیوند و بد رگ می شوی^۱

جوع عارفانه از دیدگاه مولانا :

۱- مولانا معتقد است که گرسنگی، رزق جان است:

جوع رزق جان خاصان خداست کی زبونِ همچو تو گیج گداست^۲

۲- تحمل رنج گرسنگی از همه رنجها افزونتر است:

رنج جوع از رنجها پاکیزه تر خاصه در جوع است صد نفع و هنر^۳

۳- گرسنگی عارفانه، نصیب هر کسی نمی شود:

خود نباشد جوع هر کس را زبون کاین علفزاری است زاندازه برون
جوع مر خاصان حق را داده اند تا شوند از جوع، شیر زورمند
جوع هر جلف گدا را کی دهند چون علف کم نیست پیش او نهند^۴

فواید جوع عارفانه :

۱- مولانا معتقد است که جوع باعث گشوده شدن درهای حکمت می شود :

۱- همان، دفتر اول، بیت ۲۸۷۲ .

۲- همان، دفتر پنجم، بیت ۲۸۴۵ .

۳- پیشین، بیت ۲۸۳۳ .

۴- همان، بیت ۲۸۳۷ .

گر تو این انبان ز نان خالی کنی پر ز گوهرهای اجلالی کنی^۱
طفل جان از شیر شیطان باز کن بعد از آنش با ملک انباز کن

۲- جوع باعث گشوده شدن راه جان می‌گردد:

احتمی اصل دوا آمد یقین احتما کن قوه جان را بین^۲

۲- جوع عارفانه باعث شکوفایی باطنی می‌شود:

این دهان بستی، دهانی باز شد کو خورنده لقمه‌های راز شد
گر ز شیر دیو، تن را وا ببری در فطام او، بسی نعمت خوری^۳

۳- گرسنگی عارفانه باعث تناول لقمه‌های نور می‌شود:

زین خورشها اندک اندک باز بر کاین غذای خربود نه آن حرّ
تا غذای اصل را قابل شوی لقمه‌های نور را آکل شوی^۴

۵ - جوع، باعث کسب رزق آسمانی می‌شود:

لب فرو بند از طعام و از شراب سوی خوان آسمانی کن شتاب
دم به دم بر آسمان می‌دار امید در هوای آسمان، رقصان چو بید
دم به دم از آسمان می‌آیدت آب و آتش رزق، می‌افزایدت^۵

۶- مولانا جوع را بهترین درمان دانسته و معتقد است که گرسنگی اختیاری از هر دارویی درمانگرتر است:

۱- همان، بیت ۱۶۳۹.

۲- همان، دفتر اول، بیت ۲۹۱۵.

۳- همان، دفتر سوم، بیت ۳۷۴۷.

۴- همان، دفتر پنجم، بیت ۱۷۳۰.

۵- همان، بیت ۲۸۳۲.

جوع خود سلطان داروهاست همین جوع در جان نه، چنین خوارش مبین^۱

۷- گرسنگی وسیله‌ای است برای مهار نفس:

اشکم تی، لاف اللهی نـزد کآتشش را نیست از هیزم مدد

اشکم خالی بود زندان دیو کش غم نان، مانع است از مکر و ریو^۲

۸- و اینکه روزه، رزق معنوی می‌آورد:

باش در روزه شکیبا و مُصر دم به دم قوت خدا را منتظر

کان خدای خوب کار بردبار هدیه‌ها را می‌دهد در انتظار^۳

۹- گرسنگی عارفانه آفتاب دولت و خوشبختی به همراه می‌آورد:

ای پدر الانتظار الانتظار از برای خوان بالا مردوار

هر گرسنه عاقبت قوتی بیافت آفتاب دولتی بروی بتافت^۴

نتیجه:

با توجه به موارد ذکر شده و نیز تأمل و ژرف‌نگری در متون عرفانی دیگر، این نکته تبیین می‌گردد که مواظبت در طعام و نگاهداشت حدّ اوسط، از شرایط سلوک بوده و صوفیان پرخوری را باعث قساوت قلب و غلظت حجب و مورث کسالت و بطالت در مقام مجاهده می‌دانند. و دیگر اینکه روزه با زیباترین اوصاف و تعابیر در متون عرفانی فارسی تبیین گردیده و عرفا با زیباترین و شیواترین توصیفات به بیان اسرار روزه پرداخته‌اند. به طوری که روزه را ترک و ایثار و تصفیه دانسته و آن را باعث حبس نفس و قطع خواطر و حفظ جوارح و سرانجام حصول خصوصیت حق و روشنایی چشم دل و معاینه عالم ملکوت می‌دانند و روزه- ای که منحصر به قطع طعام و خوراک باشد را روزه قالب و ظاهر دانسته و روزه حقیقی را اجتناب از حظوظ و ترک خواسته‌های محال و قطع خاطر از ماسوی‌الله دانسته‌اند. از این رو آن را به روزه عام، خاص، خاص الخواص، روزه دل و سرّ و روزه جان تقسیم کرده‌اند.

۱- همان، دفتر ششم، بیت ۴۷۲۶

۲- همان، دفتر پنجم، بیت ۱۷۴۹.

۳- پیشین، بیت ۱۷۴.

۴- همان، دفتر چهارم، بیت ۱۹۵۶.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن عربی، شیخ اکبر محی الدین، فتوحات مکیه، ترجمه محمد خواجهوی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴.
- ۲- انصاری، خواجه عبدالله، مجموعه رسائل، به تصحیح محمد سرور مولایی، تهران، انتشارات طوس: ۱۳۷۷.
- ۳- طبقات الصوفیه، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: انتشارات طوس، ۱۳۶۲.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۵- رامپوری، غیاث الدین محمد، غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- ۶- زمانی، کریم، میناگر عشق، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
- ۷- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۹.
- ۸- سجادی، سیدضیاء الدین، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- ۹- سراج طوسی، ابونصر، اللمع فی التصوف، ترجمه مهدی محبتی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۱۰- سعیدی، گل بابا، فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی، تهران، انتشارات شفیعی، ۱۳۸۳.
- ۱۱- عابدی، محمد، درویش گنج بخش (گزیده کشف المحجوب)، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶.
- ۱۲- عین القضاة همدانی، نامه‌های عین القضاة، به اهتمام علی نقی منزوی و عقیف عسیران، تهران، چاپ افست گلشن، ۱۳۶۲.
- ۱۳- قشیری، ابوالقاسم، ترجمه رساله قشیری، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- ۱۴- کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح جلال الدین همایی،

تهران، نشر هما، ۱۳۷۲.

۱۵- گوهرین، سیدصادق، شرح اصطلاحات تصوف، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۷.

۱۶- مستملی بخاری، اسماعیل، شرح تعرف لمذهب التصوف، ترجمه محمد روشن، تهران،

انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳.

۱۷- مکی، ابوطالب، قوت القلوب فی معامله المحبوب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷هـ

۱۸- مولانا، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات

امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۱۹- _____، کلیات دیوان شمس تبریزی، مطابق نسخه تصحیح

شده بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات نگاه و نشر علم، ۱۳۷۲.

۲۰- نوربخش، جواد، فرهنگ نوربخش (اصطلاحات تصوف)، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۷۳.

۲۱- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم

انصاری، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۵۹.